

تبارشناسی و برابرنهاد نظریه‌ی جاهلیت مدرن در اندیشه سیاسی آیت‌ا... خامنه‌ای

* شهروز شریعتی^۱ / مهدی عباسی شاهکوه^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۱/۲۸

چکیده:

موضوع نقش دولت، کارویژه‌ها و نقشی که این پدیده در مسیر هدایت جوامع انسانی به سوی فضیلت و سعادت به عهده داشته، مورد توجه اندیشمندان علم سیاست بوده است. در این راستا دین و مذهب را می‌توان تأثیرگذارترین عوامل بر تفسیر از حیات مادی بشری دانست. در همین حال، انقلاب اسلامی ایران به عنوان انقلابی که با خلق گفتمان برزیستن ایمانی، کوشید تا با ترویج اندیشه‌های ماورایی، طیف وسیعی از شیعیان، مسلمانان و مستضعفان جهان را از تمدن مادی معاصر که زندگی را حرکتی مکانیکی و بدون هدف می‌کند، آگاه سازد، همواره نگاهی متفاوت به مفاهیم نظری و از جمله مفهوم جهل در جهان بیرونی داشته است. سوال اصلی مقاله این است: منظور از «جاهلیت مدرن» در نظام فکری آیت‌ا... خامنه‌ای چیست؟ در پاسخ به این سوال، فرضیه مقاله این است که آیت‌ا... خامنه‌ای با تأکید بر معنویت الهی و توحید، نظام اندیشگی حاکم بر مدرنیته و مدرنیسم را همچون جامعه عربی پیش از ظهور اسلام «جاهلیت» می‌داند و معتقد است که جاهلیت مدرن بر مبنای تنازع بقا، خشونت و غضبی افسارگسیخته بنا شده است. این نوشتار با تبارشناسی مفهوم و مصادیق جاهلیت در اندیشه رهبر عالی انقلاب ضمن بررسی نحوه صورتبندی مفهوم جاهلیت در قرآن، حدیث و آرای فارابی، ملاصدرا، سید قطب و امام خمینی می‌کوشد تا تأثیر این نگرش را در اندیشه سیاسی و مواضع بین‌المللی آیت‌ا... خامنه‌ای تبیین کند و در عین حال برابر نهاد (آنتی‌تز) آن را نیز در متن یا فحوای سخنان ایشان بازنمایی کند.

واژگان کلیدی: آیت‌ا... خامنه‌ای، جاهلیت مدرن، انقلاب اسلامی، غرب

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، Shariati@modares.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی (مسائل ایران) در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

مقدمه

بر مبنای آراء بسیاری از اندیشمندان و منتقدان غرب، مفاهیمی مانند خشونت، دروغ‌پردازی‌های رسانه‌ای، انسان‌مداری و عصیان علیه دین و معنویت‌های الهی، عقل خودبنیاد، شهوت‌پرستی‌های افسارگسیخته، (فوکو، ۱۳۸۹: ۲۲۷) و تحمیل انگاره‌های فرهنگی را می‌توان از جمله ویژگی‌های فرهنگی غرب در قرون جدید توصیف کرد. از منظر تاریخ اندیشه‌ی غرب می‌توان گفت به دنبال نهضت پروتستانتیسم که پاسخی به افراطی‌گری‌های انحصارطلبانه، علم‌زدا و عقل‌گریز کاتولیسم بود، مدرنیته نیز مسیر تفریط پیمود. اندیشه‌های رهبران پروتستانتیسم با اصالت بی‌حدی که برای دنیا و فرد قائل می‌شود، آدمی را به مسیر جاه‌طلبی‌های مادی سوق می‌دهد، چه آنکه در برداشت جدید و وارونه‌ای که از مذهب اراده کرد، پیروزی‌های دنیوی، ثروت و توانگری را به عنوان رضایت خداوند تفسیر نمود (ویر، ۱۳۸۸: ۶۷ و بدیع، ۱۳۸۰: ۵۷). به دنبال تغییراتی که در رویکرد مذهبی رخ داده بود، آرام آرام اندیشه‌های دنیاگرایانه، انسان‌مدارانه و توسعه‌طلبانه بر پایه‌ی عقل خودبنیاد شکل گرفت که در آن غایت الهی، ریاضت‌مندانه جای خود را به مادی‌گرایی صرف می‌دهد. بدین ترتیب علم، فناوری، اخلاق، روابط اجتماعی و... در خدمت توسعه‌ی جسمیت قرار گرفت تا انسان تک‌ساحتی را به خودپرستی و خودبینی و عصیان علیه ادیان الهی متمایل سازد. کوشش انسان مدرن غربی در طلب دنیا تا جایی پیش رفت که به نفی «غیب عالم» و «عالم غیب» روی آورد؛ علم در مشاهده و حس خلاصه شد و آنچه غیر قابل مشاهده بود به سهولت،

ساست‌شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



انکار و توهم خوانده شد. دین مانع رشد و توسعه‌ی مورد نظر مدرنیسم بود به همین دلیل پیامبران انسان‌های جاه‌طلبی معرفی شدند که در جهت قدرت‌طلبی تلاش می‌کردند از طریق تعطیلی خرد، توهمات غیر واقعی را به خورد آدمی دهند. آنچه به مثابه‌ی عقل و خرد تعریف می‌شود محاسبه‌گری سود و منفعت این جهانی است چرا که انسان تنها باید در اندیشه‌ی افزونی سود و لذت باشد؛ اساس کار، محاسبه و مقایسه دردها و لذت‌هاست و هیچ اندیشه دیگری در این نگاه نباید راه داشته باشد (جونز، ۱۳۸۸: ۴۸۳). در اندیشه‌ی مدرنیسم، معنویت به اخلاق تنزل یافته، چرا که بدون آن، تنازع بقاء تمدن جدید غرب را نابود می‌سازد؛ لیکن فلسفه اخلاق در بهره‌ابزاری خلاصه می‌شود. با نظر در تاریخ اندیشه غرب از افلاطون و ارسطو گرفته تا آگوستین، لاک و نیچه می‌توان نوعی خودخواهی و خود برتر بینی را مشاهده کرد که در آن انسان غربی به مثابه شهروند درجه اول و دیگران درجه دوم و سوم خوانده می‌شوند که این امر زمینه ساز تبعیض در حقوق انسانی، استثمار، استعمار و خشونت علیه دیگر ملل جهان شد و به تعبیر مارشال برمن، «گردابی از مبارزه و تناقض و ابهام و عذاب» را به وجود آورد (برمن، ۱۳۸۶: ۱۴) بر اساس آنچه گفته شد، در واقع چالش اصلی انسان مدرن در تعریف و شناخت تک ساحتی از انسان بود که در آن توسعه مادی به هر قیمتی و با هر هزینه‌ای از جمله استعمارگری، جنگ‌های عالم‌گیر و ترویج فساد صورت می‌پذیرفت.

در همین حال، رهبران انقلاب اسلامی ایران به عنوان حاملان نظام معنایی که بر اصل معنویت الهی و توحید تکیه دارند، نظام اندیشگی حاکم بر مدرنیته و مدرنیسم را همچون جامعه عربی پیش از ظهور اسلام «جاهلیت» می‌خوانند. جاهلیتی که بر مبنای تنازع بقا به خشونت و غضبی افسارگسیخته دست می‌زند و جهان را با خود به ورطه نابودی می‌کشاند و در عین حال توانسته از طریق دو ابزار «رسانه» و «دانش» به گفتمانی نیرومند و هژمونیک در سطح دنیا مبدل شود و با تغییر الگوهای مصرفی، فرهنگی،

یاست پژوهی

تبارشناسی و برابرنهاد نظریه‌ی جاهلیت مدرن در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای



اجتماعی و اقتصادی جوامع، جاهلیت مدرن را به همه نقاط دنیا تسری دهد. به بیان دیگر، رهبران انقلاب اسلامی ایران با موضع‌گیری در برابر این گفتمان، تلاش می‌کنند گفتمان انقلاب اسلامی را به مثابه پادگفتمانی معرفی کنند که تحت تاثیر آموزه‌های اسلامی، طرف‌دار تفکر و بینشی است که در آن انسان به سعادت حقیقی در دو وجه «محسوس» و «معقول» دست یابد. بر این مبنا، نوشتار حاضر در پی بررسی یکی از عناصر غیریت‌سازی شده موسوم به «جاهلیت مدرن» در گفتمان انقلاب اسلامی است که آیت‌... خامنه‌ای از آن در جهت روزآمدسازی و مرزبندی با گفتمان غرب بهره می‌گیرد. مفهوم «جاهلیت» به عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم دینی در قرآن و تاریخ اسلام ریشه داشته و گفتمان انقلاب اسلامی نیز با تبعیت از مفاهیم قرآنی به هویت‌سازی جدید مبادرت می‌ورزد. بر مبنای این مفهوم از جاهلیت، دشمنی ایران و غرب در امتداد دشمنی اسلام و جاهلیت ارزیابی می‌شود و چنین استدلال می‌شود که دشمنی غرب با ایران باز نمودی از تنازع جاهلیت غرب با خودآگاهی و بیداری انسان شرقی است. این نوشتار در ادامه ضمن تبارشناسی «نظریه جاهلیت مدرن» در اندیشه سیاسی آیت‌... خامنه‌ای می‌کوشد مصادیق گفتاری آن را در سخنرانی‌های ایشان نشان دهد.

سازش‌شوی

۱. تبارشناسی نظریه جاهلیت مدرن

شناخت مفهوم جاهلیت مدرن به ویژه در مواضع سیاسی آیت‌... خامنه‌ای مستلزم تبارشناسی مفهومی و نظری مفهوم «جاهلیت» در اندیشه‌ی اسلامی است و بر این مبنا آموزه‌های «قرآن»، «حدیث» و «فلسفه‌ی اسلامی - شیعی» به ویژه در خوانش فارابی و ملاصدرا را در کنار آرای سیدقطب و امام خمینی می‌توان اصلی‌ترین عناصر سازنده این نظریه ارزیابی کرد که در ذیل به مصادیق آن اشاره خواهد شد:

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



۱-۱. صورتبندی مفهوم جاهلیت در آموزه‌های قرآنی

بر مبنای آیات قرآن جاهلیت به معنای «اصالت دادن به زندگی مادی» و تلاش برای به حداکثر رساندن بهره‌گیری از لذایذ دنیوی است که با انکار و یا تصغیر زندگی آن جهانی، معاد را تکذیب و زندگی را در دنیا منحصر می‌داند (دخان: ۳۴ و ۳۶). از این منظر در واقع جهل به معنای عدم علم‌گرایی و یا عدم وجود اندیشه نیست بلکه به معنای عقاید و سبک زیستنی است که در جهت اصالت دنیا گام برداشته و شیوه‌ی فکری خویش را محصور در دستیابی مادی قرار می‌دهد. از همین روی آیات متعددی با ارائه مثال از مردم عرب پیش از ظهور اسلام، شیوه زندگی جاهلی را تبیین می‌کند. برخی از این آیات جاهلیت را چنین توصیف می‌کند: «تفاخر و فخر فروشی» (حدید: ۲۰)، «تحقیر زن» (نحل: ۵۸ و ۵۹)، «ازدواج با همسران پدر» (نساء: ۲۳)، «زنا» (اسراء: ۳۲ و نور: ۲۳)، «میگساری» (بقره: ۲۱۹)، «ربا خواری» (بقره: ۲۷۵ و ۲۷۶)، «قمار» (مائده: ۹۰)، «مقدس دانستن برخی از حیوانات» (مائده: ۱۰۳)، «شرک»، «نیکی نکردن به والدین» و «کشتن فرزندان از ترس فقر» (انعام: ۱۵۱)، «زنده به گور کردن دختران» (تکویر: ۸)، «انکار معاد» (هود: ۵).

به طور کلی آنچه در قرآن مظهر جاهلیت عنوان می‌شود، کفر بر توحید، ماده‌گرایی و انکار معاد است؛ خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «آن‌ها می‌گفتند: چیزی جز همین زندگی دنیا در کار نیست؛ گروهی از ما می‌میرند و گروهی جای آن‌ها را می‌گیرند و جز طبیعت و روزگار، ما را هلاک نمی‌کند. آن‌ها به این سخن یقین ندارند؛ بلکه تنها گمان بی‌پایه‌ای دارند» (جاثیه ۲۴).

از دیگر عناصر مهم و اصلی گفتمان جاهلیت، مسأله‌ی جنگ‌های خونین عربی بود که گاه بر سر موضوعی حقیر تا نیم یا یک قرن به طول می‌انجامید که تغییر ماه‌های حرام به موجب همین عنصر جنگ پدید آمد (سبحانی، ۱۳۸۰: ۱۸). در حقیقت مسأله «اصالت مادیت» و تلاش برای بقا در عالم ماده، سبب تولید هویتی ستیهنده و خونریز

یاست پژوهی

تبارشناسی و برابرنهاد نظریه‌ی جاهلیت مدرن در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای



در عرب پدید آورده بود که همه چیز حول آن بازتعریف می‌شد. از این منظر نظام قبیله‌گرایی بر مبنای عصبیت و اصالت خون، قومیت‌گرایی و نژادپرستی، ثروت اندوزی، اهمیت کثرت جمعیتی و تفاخر بر تعداد مردگان (تکاثراً-۲) و شمار مقابر پدید آمد و انسان آن عصر را در جنگ به عنوان نظامی طبیعی فرو برد (جعفریان، ۱۳۹۲: ۱۵۸). شهوت‌پرستی، میگساری، قمار و رباخواری نیز از جمله ارزش‌های حاکم بر زندگی عرب جاهلیت بود که عرب را به ورطه نابودی می‌کشاند. باید اشاره شود که از جمله مهم‌ترین دلایل مردم‌یثرب برای دعوت از پیامبر (ص) ترس از نابودی دو قبیله اوس و خزرج به جهت دشمنی و تداوم جنگ‌های چند ده ساله بود (ابن اثیر، ۱۳۷۰: ۵۸۲) امام علی (ع) در خطبه‌ی بیست و ششم نهج‌البلاغه سبک زندگی عرب عصر جاهلی را این‌گونه وصف می‌کنند:

«... خون یکدیگر را به ناحق می‌ریختید، و پیوند خویشاوندی را می‌بریدید، بت میان شما پرستش می‌شد، و مفاسد و گناهان شما را فرا گرفته بود» (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۲۶).

ایشان در جای دیگر می‌فرمایند:

«خدا پیامبر اسلام را به هنگامی مبعوث فرمود که مردم در حیرت و سرگردانی بودند، در فتنه‌ها به سر می‌بردند، هوی و هوس بر آن‌ها چیره شده و خود بزرگ‌بینی و تکبر به لغزش‌های فراوانشان کشانده بود، و نادانی‌های جاهلیت پست و خوارشان کرده، و در امور زندگی حیران و سرگردان بودند، و بلای جهل و نادانی دامنگیرشان بود» (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۹۵).

بر مبنای آنچه گفته شد جاهلیت را می‌توان دارای ویژگی‌های اصلی نظیر «خشونت»، «جنگ‌افروزی»، «تعصب»، «شهوت‌پرستی»، «فساد اخلاقی»، «رباخواری»، «میگساری» و... دانست که به موجب انکار معاد و عدم اعتقاد به وحدانیت پروردگار پدید آمده بود. همچنان که پیداست، جاهلیت اولی در برابر تمدن قرار ندارد چه آن‌که عرب پیش از



اسلام دارای شهرها، بناها، ادبیات و طبع شعر نیز بوده لیکن آنچه قرآن در توصیف جاهلیت ارائه می‌کند عدم وجود تفکر و تدبیر در نظام آفرینش، جهان آخرت و باور توحیدگرایانه است که خشونت و توهّمات بی‌ارزش شهوانی و غیرعقلانی را به همراه خواهد داشت.

۱-۲. صورتبندی مفهوم جاهلیت در آموزه‌های حدیثی

از جمله مهم‌ترین منقولاتی که به ویژه شیعیان در باب جهل بدان رجوع می‌کنند حدیث معروف امام صادق (ع) با عنوان «جنود عقل و جهل» است که در آن برای هر کدام هفتاد و پنج مورد و نشانه نقل شده است. این حدیث به دو دلیل جامعیت و البته توجه ویژه‌ای که بنیان‌گذار انقلاب اسلامی بدان داشته و شرحی مبسوط بر آن نوشته، انتخاب شده است. در این حدیث با تأکید بر اهمیت شناخت جنود عقل و جهل آمده است:

«حضرت فرمود خدای عز و جل عقل را از نور خویش و از طرف راست عرش آفرید و آن مخلوق اول از روحانین است پس بدو فرمود پس رو او پس رفت سپس فرمود پیش آی پیش آمد. خدای تبارک و تعالی فرمود: ترا با عظمت آفریدم و بر تمام آفریدگانم شرافت بخشیدم. سپس جهل را تاریک و از دریای شور و تلخ آفرید به او فرمود پس رو پس رفت فرمود پیش بیا پیش نیامد. فرمود: گردن‌کشی کردی؟ او را از رحمت خود دور ساخت. سپس برای عقل هفتاد و پنج لشکر قرار داد. چون جهل مکرمت و عطای خدا را نسبت به عقل دید دشمنی او را در دل گرفت و عرض کرد. پروردگارا این هم مخلوقی است مانند من. او را آفریدی و گرامیش داشتی و تقویتش نمودی. من ضد او هستم و براو توانایی ندارم. آنچه از لشکر به او دادی به من هم عطا کن. فرمود بلی می‌دهم ولی اگر بعد از آن نافرمانی کردی تو را و لشکر تو را از رحمت خود بیرون می‌کنم. عرض کرد خشنود شدم. پس هفتاد و پنج لشکر به او عطا کرد و هفتاد و پنج لشکری که به عقل عنایت کرد. (جنود عقل و جهل) بدین قرار است: خیر و آن وزیر عقل

یاست پژوهی

تبارشناسی و برابرنهاد نظریه‌ی جاهلیت مدرن در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای



است و ضد او را شر قرارداد، که آن وزیر جهل است؛ و ایمان و ضد آن کفر؛ و تصدیق حق و ضد آن انکار حق؛ و امیدواری و ضد آن نومیدی؛ و دادگری و ضد آن ستم؛ و خشنودی و ضد آن قهر و خشم؛ و سپاس‌گزاری و ضد آن ناسپاسی؛ و چشم داشت رحمت خدا و ضد آن یأس از رحمتش؛ و توکل و اعتماد به خدا و ضد آن حرص و آز؛ و نرم دلی و ضد آن سخت دلی؛ و مهربانی و ضد آن کینه‌توزی؛ و دانش و فهم و ضد آن نادانی؛ و شعور و ضد آن حماقت؛ و پاکدامنی و ضد آن بی‌باکی و رسوایی؛ و پارسایی و ضد آن دنیاپرستی؛ و خوش‌رفتاری و ضد آن بدرفتاری؛ پروا داشتن و ضد آن گستاخی؛ و تواضع و ضد آن کبر؛ و آرامی و ضد آن شتابزدگی؛ و خردمندی و ضد آن بی‌خردی؛ و خاموشی و ضد آن پرگویی؛ و رام بودن و ضد آن گردن‌کشی؛ و تسلیم حق شدن و ضد آن تردید کردن؛ و شکیبایی و ضد آن بی‌تابی؛ و چشم‌پوشی و ضد آن انتقام‌جویی؛ و بی‌نیازی و ضد آن نیازمندی؛ و به یاد داشتن و ضد آن بی‌خبر بودن؛ و در خاطر نگه‌داشتن و ضد آن فراموشی؛ و مهرورزی و ضد آن دوری و کناره‌گیری؛ و قناعت و ضد آن حرص و آز؛ و تشریک مساعی و ضد آن دریغ و خودداری؛ و دوستی و ضد آن دشمنی؛ و پیمان‌داری و ضد آن پیمان‌شکنی؛ و فرمانبری و ضد آن نافرمانی؛ سرفروندی و ضد آن بلندی جستن؛ و سلامت و ضد آن مبتلا بودن؛ و دوستی و ضد آن تنفر و انزجار؛ و راستگویی و ضد آن دروغ‌گویی؛ و حق و درستی و ضد آن باطل و نادرستی؛ و امانت و ضد آن خیانت؛ و پاکدلی و ضد آن ناپاکدلی؛ و چالاکی و ضد آن سستی؛ و نشاط و زیرکی و ضد آن کودنی؛ و شناسایی و ضد آن ناشناسایی؛ و مدارا و رازداری و ضد آن راز فاش کردن؛ و یک‌رویی و ضد آن دغلی؛ و پرده‌پوشی و ضد آن فاش کردن؛ و نمازگزاردن و ضد آن تباه کردن نماز؛ و روزه گرفتن و ضد آن روزه خوردن؛ و جهاد کردن و ضد آن فرار از جهاد؛ و حج گزاردن و ضد آن پیمان حج شکستن؛ و سخن‌نگهداری و ضد آن سخن‌چینی؛ و نیکی به پدر و مادر و ضد آن



نافرمانی پدر و مادر؛ و با حقیقت بودن و ضد آن ریاکاری؛ و نیکی و شایستگی و ضد آن زشتی و ناشایستگی؛ و خودپوشی و ضد آن خود آرایی؛ و تقیه و ضد آن بی‌پروایی؛ و انصاف و ضد آن جانبداری باطل؛ و خودآرائی برای شوهر و ضد آن زن‌دادن؛ و نظافت و پاکیزگی و ضد آن پلیدی؛ و حیا و آزر و ضد آن بی‌حیایی؛ و میانه‌روی و ضد آن تجاوز از حد؛ و آسودگی و ضد آن خود را به رنج انداختن؛ و آسان‌گیری و ضد آن سخت‌گیری؛ و برکت داشتن و ضد آن بی‌برکتی؛ و تندرستی و ضد آن گرفتاری؛ و اعتدال و ضد آن افزون‌طلبی؛ و موافقت با حق و ضد آن پیروی از هوس؛ و سنگینی و متانت و ضد آن سبکی و جلفی؛ و سعادت و ضد آن شقاوت؛ و توبه و ضد آن اصرار بر گناه؛ و طلب آموزش و ضد آن بیهوده طمع‌بستن؛ و دقت و مراقبت و ضد آن سهل‌انگاری؛ دعا کردن و ضد آن سرباز زدن؛ و خرمی و شادابی و ضد آن سستی و کسالت؛ و خوش‌دلی و ضد آن اندوه‌گینی؛ مأنوس شدن و ضد آن کناره گرفتن؛ و سخاوت و ضد آن بخیل بودن. پس تمام این صفات (هفتاد و پنج‌گانه) که لشکریان عقلند جز در پیغمبر و جانشین او و مؤمنی که خدا دلش را به ایمان آزموده جمع نشود. اما دوستان دیگر ما برخی از اینها را دارند تا تدریجا همه را دریابند و از لشکریان جهل پاک شوند. آنگاه با پیغمبران و اوصیا در مقام اعلی همراه شوند. و این سعادت جز با شناختن عقل و لشکریانش و دوری از جهل و لشکریانش به دست نیاید. خدا ما و شما را به فرمانبری و طلب ثوابش موفق دارد» (اصول کافی، ج ۱، روایت چهاردهم).

امام خمینی در شرح این حدیث معتقدند شناخت جنود عقل و جهل مقدمه‌ای بر یافتن راه هدایت است که کمال، تنزیه و تصفیه نفس را به همراه داشته و اساس معرفت الهی است و

یاست پژوهی
تبارشناسی و برابرنهاد نظریه‌ی جاهلیت مدرن در اندیشه سیاسی آیت‌الله‌خامنه‌ای



«اینکه این معرفت نتیجه معرفت عقل و جهل و جنود آنهاست، برای آن است که، تا معرفت به مهلکات و منجیات نفس و طرق تخلی از آنها و

تحلی به این‌ها پیدا نشود، نفس را تصفیه و تنزیه و تحلیه و تکمیل حاصل نشود و تا نفس را صفای باطنی پیدا نشود و به کمالات متوسطه نرسد، مورد جلوه اسما و صفات و معرفت حقیقیه نگردد و به کمال معرفت نرسد، بلکه جمیع اعمال صوریه و اخلاق نفسیه، مقدمه معارف الهیه است و آن‌ها نیز مقدمه حقیقت توحید و تفرید است که غایت القصوای سیر انسانی و منتهی‌النهاییه سلوک عرفانی است. پس هدایت به ملکوت اعلی و از آن‌جا به باطن اسما و از آن‌جا به حضرت هویت، بی‌مرآت کثرت حاصل نشود الا به شناخت جنود عقل و جهل» (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۱۸).

از این منظر ملاحظه می‌شود شناخت جاهلیت، زمینه‌ی هدایت‌یافتگی و معرفت و قربات الهی است و برای ساخت «حیات طیبه» و «تمدن نوین اسلامی» باید همواره عناصر سازنده جاهلیت را که مصداق سربازان شیطان هستند بازشناسی کرد. این همان نکته‌ای است که در اندیشه آیت‌... خامنه‌ای نیز بارها بدان اشاره شده است.

۱-۳. صورت‌بندی مفهوم جاهلیت در فلسفه سیاسی شیعی

مصادیق مواجهه با مفهوم جهل را افزون بر منابع قرآن و حدیث می‌توان در فلسفه سیاسی شیعی نیز جست‌وجو کرد که در این میان آرای فارابی و ملاصدرا در بین علمای شیعه بازتاب بیشتری داشته است. بر این اساس، ابونصر فارابی به عنوان یکی از برجسته‌ترین پیشگامان فلسفه‌ی اسلامی به موضوع عقل و جهل پرداخته و عقل را سرچشمه فضایل و جهل را مولد رذایل می‌داند. فارابی بر مبنای نیاز انسان به وجود روابط اجتماعی برای رسیدن به سعادت این‌جهانی و آن‌جهانی، جوامع را به دو نوع فاضله و غیر فاضله تقسیم نموده است. در تفکر فارابی مدینه‌ی فاضله پیرامون «نبی» شکل می‌گیرد. از این منظر حضور فرد در جامعه به دلیل «قرارداد اجتماعی» و یا از سر ضرورت و اجبار نیست بلکه به جهت رشد انسانی و رسیدن به سعادت است که این سعادت نیز در واقع به معنای لذاذذ دنیوی نیست. از منظر وی دوری مردم از حکمت و تضاد میان عمل و نظر از یکدیگر مایه غیر فاضله بودن جوامع است. فارابی معتقد است



انسانی که معقولات را در جهت درست به کار می‌گیرند، صاحبان فطرت سلیم بوده که می‌توانند به سعادت نهایی نایل آیند. وی بر این مبنا از جوامعی تحت عنوان مدینه‌های غیر فاضله‌ای نظیر «جاهلیه»، «فاسقه» و «ضاله» سخن می‌گوید؛ از این منظر، مدینه‌ی «جاهلیه» مکانی است که در آن مردم مدینه، اصولاً تصویری از سعادت حقیقی نداشته و ویژگی اساسی آنان جهل می‌باشد؛ مدینه «فاسقه» برخلاف مدینه جاهلیه مکانی است که انسان‌ها خیر را می‌شناسند و به سعادت عارفند اما عامل به آنچه می‌دانند نیستند؛ ساکنان مدینه‌ی ضاله نیز دارای عقایدی باطل و آرای فاسد هستند و به رغم همسانی عمل و نظر، به لحاظ فساد نظری، اعمال شایسه‌ای ندارند؛ این مدینه تحت زعامت فردی است که مدعی معرفت به حقیقت است حال آن‌که پنداشت او گمراهی بیش نیست (داوری اردکانی، ۱۳۵۴: ۱۲۲).

یاست پژوهی

فارابی در توضیح جوامع جاهلیه معتقد است اهل مدینه‌های جاهلیه، دچار بیماری نفسانی بوده و از دریافت حقیقت امور ناتوان و از لذایذ راستین حیات محروم مانده‌اند. به باور وی این بیماری از کسب افعال شرور ارادی و عادت کردن به فساد رخ داده و مداومت بر این اعمال بر مراتب نقص و پستی هیأت نفسانی آنان افزوده است. در باور فارابی ویژگی کلی مدینه‌های جاهلیه در این است که مردمان،

«نسبت به سعادت حقیقی که همانا برائت از ماده و اتصال به جهان غیر مادی است، جاهلند و لذا به جهان مادی آویخته‌اند و سعادت را که غیر حقیقی است در فراهم آوردن شرایط یا خیراتی می‌یابند که گمان دارند، خیر راستین و اسباب تحصیل سعادت راستین است» (ناظرزاده کرمانی، ۱۳۷۶: ۳۴۳).

فارابی همچنین از انواع مدینه جاهلیه سخن به میان می‌آورد: «مدینه‌ی ضروریه» که هدف مردم آن بقا و ارضاء نیازهای ضروری چون خوراک، پوشاک و منکوحات است و همکاری مردم با یکدیگر از برای رفع نیازهای ضروری است؛ «مدینه‌ی بداله (نداله)»



که غایت مردم دارندگی ثروت و فزونی توانگری و کثرت اموال است (ناظرزاده کرمانی، ۱۳۷۶: ۳۴۴)؛

«مدینه‌ی خست و شقوت (سقوط)» که مردم در پی لذت‌جویی و نیل به لذایذی چون خوردن و شهوت‌رانی دارند و برای حداکثر سود تلاش می‌کنند؛ «مدینه‌ی کرامیه» که اهل شهر کرامت، دوستدار کسب افتخار و شهرت در میان سایر ملل و خواستار تمایز در میان دیگر مدینه‌ها و طالب اکرام امم دیگر هستند؛ «مدینه‌ی تغلیبه» که این مدینه به غلبه، زور و کاربرد خشونت علیه دیگران اهمیت می‌دهد (داوری اردکانی، ۱۳۵۴: ۱۳۰) و سرانجام «مدینه‌ی جماعیه (تضاد)» که در آن افراد برای آزادی حدی قائل نیستند و در جهت هوس‌رانی مانعی را تحمل نمی‌کنند (ناظرزاده کرمانی، ۱۳۷۶: ۳۵۲).

فارابی همچنین در توضیح مدینه‌ی فاضله معتقد است این جامعه بر مبنای رهبری «نبی» درک صحیحی از معقولات و عقل داشته و مردم با عمل کردن بدان سعادت‌مند می‌شود لیکن در مقابل مدینه‌های جاهلیه‌ای وجود دارد که جهل مانع نایل شدن مردمانش به خیر خواهد شد. در اندیشه‌ی صدرالمآلهین به عنوان یکی دیگر از فیلسوفان جهان تشیع که در عین حال بنیانگذار «حکمت متعالیه» نیز محسوب می‌شود، هدف آدمی درک مفاهیم و دریافت حقایق عالم می‌باشد که دستیابی به این مهم بدون تهذیب نفس ممکن نخواهد بود؛ به باور وی برای رشد و بقای انسان تنها دانش و معرفت کافی نیست، زیرا آدمی منحصر در شخص نبوده و از این رو نمی‌تواند در دنیا بدون تمدن، جامعه و یاری دیگران زیست نماید؛ این فیلسوف شیعی همچنین تمدنی را که می‌تواند انسان را به مسیر هدایت متمایل ساخته و در ادراک حقیقت به وی یاری رساند تا از این طریق به نیک‌بختی و سعادت دست یابد، و از شقاوت و جهالت دور شود، تمدنی می‌دانست که بر مبنای دستورات الهی، عدالت را مراعات می‌کند، خشونت، خودبینی و منازعات را رفع کرده و می‌تواند با تنظیم امور معیشتی مردم، آن‌ها را به معاد رهنمون سازد. از این منظر آنچه تمدن الهی را از تمدن‌های مادی و جاهلی

سازشویی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



دور می‌سازد، تمدنی است که سیاست در آن هدایت‌گرانه بوده و در طاعت از شریعت می‌کوشد:

«هرگاه سیاست از شریعت اطاعت کند، ظاهر عالم هماهنگ با باطن آن می‌گردد؛ محسوسات در سایه‌ی معقول‌ها قرار می‌گیرند، و تحرک اجزا به طرف کل و در هماهنگی با کل حرکت می‌کند. رغبت در جهت فاعلیت و زهادت در جهت منفعلیتی قرار می‌گیرد که محذور به فضل راحت خود و ارتعاب به فضیلت خود انجام می‌دهد» (ملاصدرا، ۱۳۶۶: ۴۹۶).

این تمدن الهی انسان را به خودشناسی دعوت کرده و با نهی افراد از خودپرستی و خودبینی که به خشونت می‌انجامد، جامعه را محل محبت، دوستی و مایه رشد آدمی می‌داند و یاری دادن افراد به یکدیگر را نه به دلیل ضرورت بلکه در جهت تقرب الهی و هدایت‌یافتگی تعریف می‌کند. در این نوع از تمدن منازعه و خشونت به جهت استعلا بر دیگران تقبیح می‌شود و آنچه مایه رشد انسان قرار می‌گیرد تلاش برای خدمت و مساعدت به دیگران در جهت کسب ترحم الهی است. بر مبنای آنچه گفته شد، ملاحظه می‌شود که فلسفه سیاسی شیعی «خیر» را در توجه به دو عالم محسوسات و معقولات و یا دو عالم مملکی و ملکوتی می‌دانند که توازن بین این دو و قرار گرفتن در جامعه بافضلیت، آدمی را به کمال نزدیک می‌نماید، که این کمال همان هدایت‌یافتگی و تقرب الهی است (فدایی مهربانی، ۱۳۹۳: ۴۷۷). بدین ترتیب به نظر می‌رسد صورتبندی مفهوم جهل در خوانش فارابی و ملاصدرا نقش بسیار زیادی را بر اندیشمندان پسینی داشته است.

۱- ۴. صورتبندی مفهوم جاهلیت در اندیشه‌ی سید قطب

یکی از نخستین اندیشمندان اسلامی که از اصطلاح و مفهوم «جاهلیت مدرن» سخن به میان آورد، «محمد قطب» برادر «سید قطب» بود که تمدن غرب را در ساحت و ماهیت مشابه ویژگی‌های عصر جاهلیت عربی می‌دانست. وی ابتدا به هستی‌شناسی جاهلیت می‌پردازد و جاهلیت را محدود به پیش از ظهور اسلام در شبه جزیره نمی‌داند:

یاست پژوهی

بخش‌شناسی و برابرنهاد نظریه‌ی جاهلیت مدرن در اندیشه سیاسی آیت‌الله خاکنای



«... جاهلیت مفهومی در مقابل خداشناسی و پیروی از آیین هدایت و پذیرش حکومت الهی است، و آن‌طور که کوتاه‌نظران و کج‌اندیشان پنداشته‌اند، مفهومی در مقابل علم و تمدن مادی و پیشرفت تولید نیست. قرآن هرگز ملت عرب را از آن رو اهل جاهلیت نخوانده است که این ملت علوم ستاره‌شناسی، طبیعی، شیمی، و پزشکی... را نمی‌شناخته‌اند و یا با نظام‌های سیاسی آشنا نبوده‌اند، و یا در پیش‌برد تولید کالاهای مادی ناتوان بوده‌اند، و یا فضائل هم‌زمان خود بهره‌ای نداشته‌اند، و یا به طور کلی از موازین و سجایای اخلاقی و انسانی بی‌بهره بوده‌اند. زیرا اگر قرآن کریم این مردم را از این جهات اهل جاهلیت معرفی می‌کرد حتماً برای جبران همین جهات از نقص و ضعف آنان قیام می‌نمود و به جای این جهل و نادانی در موضوعات گوناگون علمی بهره‌ای سرشار از علوم ستاره‌شناسی، طبیعی، شیمی و پزشکی... به این ملت می‌بخشید و به جای جهل و نادانی در امور سیاسی، نظریه‌های گوناگون مشروح و مفصل سیاسی در اختیار آنان قرار می‌داد... و لکن قرآن ملت عرب را هرگز از این جهات جاهلیت نخوانده است... قرآن از آن رو ملت عرب را اهل جاهلیت نامیده که آنان حکومت را به هوا و هوس و خواسته‌های نفسانی خود می‌سپرده‌اند و حکومت خدا را به رسمیت نمی‌شناخته‌اند، پس روی این حساب دقیق، قرآن اسلام را به جای جاهلیت به این ملت عطا کرده است. بنا براین، میزانی که قرآن زندگی بشر را با آن می‌سنجد عبارت است از حکومت هوا و هوس و یا حکومت خدا، و در هر زمان و مکان که هوا و هوس بشر به جای خدا حکم‌رانی کند آن زمان، زمان جاهلیت است و آن مکان هم...» (سید قطب، ۱۳۵۹: ۹).

وی در تعریفی خلاصه از جهل می‌گوید:

«جاهلیت عبارتست از انحراف از عبادت شایسته در پیشگاه خدا عبادتی که پیوسته در سایه پذیرش حکومت خدا در همه برنامه‌های زندگی انجام می‌گیرد...» (همان، ۵۶).



محمد قطب جهل را ثمره پیروی از هواهای نفسانی و هوس‌های خودسرانه می‌داند که انسان را از طاعت خداوند منحرف ساخته است. او به عنوان فردی مسلمان نقطه مقابل اسلام و فرامین شریعت را به صراحت جهل می‌داند، چرا که اطاعت غیر خدا در چارچوب هوای و هوس قرار می‌گیرد (همان، ۶۴). سید قطب جاهلیت قرن بیستم را دارای نشانه‌های واضح انحراف از طاعت پروردگار و مسغرق در دام هوا و هوس و لذا ید مادی می‌داند که در همه ابعاد دچار انحراف و فساد عمیق فرو رفته و در همه چیز فاسد شده است: فساد در تصور، فساد در سلوک، فساد در هنر، فساد در سیاست، فساد در اخلاق، فساد در روابط جنسی، فساد در اجتماع، فساد در اقتصاد. اما جاهلیت امروز در وضعیتی ممتاز و منحصر به فرد به سر می‌برد به طوری که در نهایت وضعیت تاریخی جاهلیت به عداوت با دین خدا می‌پردازد (همان، ۷۰). در باور وی جاهلیت مدرن قرن بیستمی در نسبت با جاهلیت اولی دارای امتیازاتی مشتمل بر این موارد است:

۱. «این پیشرفت سریع و بی‌نظیر علمی است که در این راه یکی از بارزترین وسائل انحراف مردم از خدا گردیده، و برای آزار و شکنجه و فشار بندگان خدا به کار می‌رود.
۲. خودخواهی و خودبزرگ‌بینی و افتخار انسان است در رویارویی و نافرمانی با خدای خویش، در نتیجه مغرور شدن به علم خویش و به پیش‌رفت مادی خویش، و پیدایش این تصور غلط که انسان قرن بیستم از خدا بی‌نیاز است، و یا اینکه انسان خدای این قرن بیستم است.
۳. پیدایش نظریه‌های گوناگون علمی است، در اجتماع، در اقتصاد، در روانشناسی، و در همه مراحل زندگی که شیطان‌گونه مرتب مردم را به انحراف می‌کشد.
۴. پیدایش این خودباختگی‌ها است در مقابل نظریه‌ی تطور در قرن بیستم
۵. آزادی و عنان‌گسیختگی زن است در اجتماع آشفته قرن بیستم...» (همان، ۷۴).



این اندیشمند معتقد بود دستیابی جاهلیت قرن بیستم به علم و دانش سبب فزونی قدرت سرشار مادی شده که به وسیله‌ی آن امکان دستیابی به لذایذ مادی فراهم می‌شود که این رخداد سبب پیچیدگی جاهلیت نوین شده است؛ حال آنکه جاهلیت‌های گذشته باطلی آشکار بود و فهم آن به سادگی امکان داشت اما جاهلیت قرن بیستم به وسیله‌ی دانشی که در اختیار دارد همگان را مقهور قدرت خویش ساخته و تظاهر به حق می‌نماید (همان). محمد قطب در انتهای اثر خود به مسأله «بازگشت انسان به سوی خدا» تأکید می‌کند و در آخر با غالب دانستن قدرت خداوند بر خلق، از سنت‌های الهی نظیر نابودی قوم نوح یاد می‌کند (همان، ۱۰۴). بدین ترتیب ملاحظه می‌شود قرابت فکری آیت‌... خامنه‌ای با اندیشه سیاسی سید قطب که حتی منجر به ترجمه دو اثر وی از سوی ایشان به زبان فارسی شد، از مهمترین دلایلی به شمار می‌رود که بتوان نظریه جاهلیت مدرن را در اندیشه ایشان به باورهای سید قطب نیز مرتبط ساخت. اگر چه لازم به ذکر است این نظریه در اندیشه آیت‌... خامنه‌ای بسط نظری به مراتب بیشتری یافت که در بخش‌های بعدی به آن اشاره می‌شود.

۱-۵. صورت‌بندی مفهوم جاهلیت در اندیشه امام خمینی (ره)

بنیان‌گذار انقلاب اسلامی نیز از دو عالم معقولات و محسوسات سخن می‌گوید و انسان را دارای دو بُعد جسمانی و روحانی می‌داند که هر دو باید با هم رشد یابند تا سعادت آدمی تضمین شود. وی همچون ملاصدرا، بدن انسان را مرکب روح دانسته که بدون مرکب سیر و سلوک روحانی ممکن نخواهد بود. در همین ارتباط امام خمینی در نامه‌ای خطاب به گورباچف این اصل را یادآور شده و تلاش می‌کند حقیقت توحید و معنویت را به رهبر شوروی سابق معرفی نماید. در واقع آنچه از منظر امام خمینی اهمیت اساسی دارد، بی‌توجهی و جهل انسان غربی نسبت به مسأله‌ی توحید و معاد می‌باشد. بنیان‌گذار انقلاب اسلامی در نامه‌ی مذکور با تأکید بر اهمیت توحید می‌نویسند:

ساست شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۸۷





«...امروز اگر مارکسیسم در روش‌های اقتصادی و اجتماعی به بن‌بست رسیده است، دنیای غرب هم در همین مسائل، البته به شکل دیگر و نیز در مسائل دیگر گرفتار حادثه است ... مشکل اصلی کشور شما مسأله مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست؛ مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست. همان مشکلی که غرب را هم به ابتذال و بن‌بست کشیده و یا خواهد کشید. مشکل اصلی شما مبارزه طولانی و بیهوده با خدا و مبدأ هستی و آفرینش است... برای همه روشن است که از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخی جهان جستجو کرد.» بنیان‌گذار انقلاب اسلامی با نقد تفکر مادی و ناقص دانستن این بینش، تلاش می‌کند اصل نیاز معنوی و بازگشت به فطرت و خداجویی را توجه دهند و یا به بیان واضح‌تر آدمی را از عالم جهل به عالم عقل وارد سازند. از منظر ایشان با توجه به حدیث جنود عقل و جهل، تصدیق حق و حقیقت‌طلبی از نشانگان عقل بوده و در برابر انکار آن نشانه‌ی جهل و جاهلیت است. بر مبنای اندیشه‌ی امام خمینی از جمله دیگر محورهای جاهلیت در عصر پیشااسلامی مسأله‌ی مظلومیت جایگاه زن می‌باشد. بر همین اساس امام خمینی با تطبیق جاهلیت اولی و جاهلیت امروزی، بیش از هر چیز به مسأله‌ی مظلومیت زن اشاره می‌کند: «زن در دو مرحله مظلوم بوده است؛ یکی در جاهلیت. در جاهلیت، زن مظلوم بود و اسلام منت گذاشت بر انسان، زن را از آن مظلومیتی که در جاهلیت داشت بیرون کشید. مرحله جاهلیت مرحله‌ای بود که زن مثل حیوانات - بلکه پایین‌تر از او [می‌شمردند]. در یک موقع دیگر، در ایران ما، زن مظلوم شد؛ و آن دوره شاه سابق بود و شاه الحق؛ به اسم اینکه زن را می‌خواهند آزاد کنند ظلم کردند به زن؛ زن را از آن مقام شرافت و عزت که داشت پایین کشیدند. زن را از آن مقام معنویت که داشت شیء کردند به اسم آزادی. آزاد زنان و آزاد مردان. آزادی را از زن و مرد سلب کردند. زن‌ها و جوانان ما را فاسدالاخلاق کردند. شاه برای زن این خاصیت را قائل بود که شاه می‌گفت زن باید «فربیا» باشد!» (امام خمینی، ج ۷، ۱۳۸۶: ۳۳۹).

بر مبنای آنچه که در باب مصادیق عقل و جهل در اندیشه سیاسی امام خمینی گفته شد به نظر می‌رسد ایشان نیز متأثر از آموزه‌های اسلامی و فلسفه سیاسی شیعی، هوسرانی و خشونت‌گرایی را بخشی از ویژگی‌های مردم مدینه‌های جاهلی می‌دانند و ظلم به جنس زن را نیز در این مضمون قرار می‌دهند.

۲. چگونگی تبیین مفهوم جاهلیت مدرن از سوی آیت‌ا... خامنه‌ای

آیت‌ا... خامنه‌ای در بررسی نظام اندیشگی و اعمال سیاسی تمدن غرب به ویژه ایالات متحده‌ی آمریکا، از واژه‌ی «جاهلیت مدرن» بهره می‌گیرند. این اصطلاح هرچند پیش‌تر از سوی سید قطب اندیشمند شهیر مصری بکار رفت اما رهبر انقلاب توانستند با روزآمد سازی این مفهوم به ژرفا و تعمیق این نظریه پرداخته و بر خلاف سید قطب که تنها به یادآوری سنت‌های الهی و انذار می‌پردازد، ایشان در نگاهی اثباتی و تبشیری مسأله‌ی ساخت تمدن نوین اسلامی را به عنوان بدیل مطرح نموده و الزامات و بایسته‌های آن را تدقیق می‌کنند. از منظر آیت‌ا... خامنه‌ای بارزترین ویژگی‌های جاهلان‌های غرب شامل جنگ‌افروزی، استیلا، بی‌بند و باری و شهوت‌رانی و تلاش برای به حداکثر رساندن لذات مادی است. در ادامه به ویژگی‌های جاهلیت مدرن غربی از منظر رهبر انقلاب پرداخته می‌شود:

۲-۱. استیلاجویی، زورگویی و جنگ‌افروزی:

رهبر انقلاب در سخنانی نظریه‌ی «جاهلیت مدرن» را اینگونه تبیین می‌سازند:

«... قدرت‌های مسلط و مستکبر عالم، تسلیحات درست می‌کنند، برای تهدید بشریت، نه برای گسترش عدالت؛ برای گسترش بی‌عدالتی، نه برای دادن امنیت به بشر؛ بلکه برای سلب امنیت از کسانی که تسلیم آن‌ها نباشند. امروز مسئله در دنیا این است. اینکه ما جاهلیت مستقر امروز دنیا را جاهلیت مدرن می‌نامیم، به خاطر همین است. دوران جاهلیت پایان نیافته است. جاهلیت یعنی مقابله‌ی با حق، مقابله‌ی با توحید، مقابله‌ی با حقوق



انسان، مقابله‌ی با راهی که خدا برای انسان‌ها در جهت سعادت گشوده است. این جاهلیت، امروز هم هست؛ با شکل مدرن، با استفاده‌ی از دانش، با استفاده‌ی از فناوری‌های پیشرفته، با استفاده‌ی از سلاح هسته‌ای، با استفاده‌ی از انواع تسلیحات برای پر کردن کیسه‌ی صاحبان صنعت‌های مخرب و منهدم‌کننده‌ی زندگی بشر... امروز در دنیا کارخانه‌های اسلحه‌سازی انواع سلاحها را می‌سازند، برای اینکه این سلاحها فروش برود. در دنیا جنگ ایجاد می‌کنند، انسان‌ها را به جان هم می‌اندازند، دولت‌ها را در مقابل هم قرار می‌دهند، ایجاد تهدید می‌کنند تا بتوانند فکر خائنانه و طمع‌خباثت‌آلود خودشان را تأمین و اشباع و ارضاء کنند. لذا تا وقتی که ابرقدرت‌ها سلسله‌جنبان مسائل جهانی هستند، جنگ در دنیا تمام نمی‌شود. جنگ برای آن‌ها دارای منافع مادی است. این جنگ، جنگ در راه عدالت نیست... این همه انسان‌ها نابود بشوند، این همه اموال ملت‌ها صرف خرید تسلیحات بشود، صرف تولید تسلیحات گران‌قیمت بشود، برای چه؟ برای اینکه صاحبان کمپانی‌های بزرگ پول بیشتری به دست بیاورند، لذت بیشتری از زندگی‌شان ببرند. این همان نظام طاغوتی جاهلانه‌ی خطرناک بشریت است که متأسفانه بر زندگی انسان‌های دور از جاده‌ی توحید حاکم است...» (بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث، ۱۳۸۹/۰۴/۱۹).

رهبر انقلاب همچنین در نسبت‌سنجی جاهلیت مدرن با علم بر این نکته تأکید دارند که علم، امروزه به مثابه‌ی سلاحی در دست جاهلیت مدرن در آمده تا از این طریق به امیال غیر انسانی خود واصل آید؛ ایشان در این باره تصریح می‌کنند:

«فرق این جاهلیت با جاهلیت صدر اوّل - جاهلیت اولی به تعبیر قرآن - این است که امروز جاهلیت، مسلّح و مجهّز است به سلاح علم، به سلاح دانش؛ یعنی علم که مایه‌ی رستگاری انسان باید باشد، وسیله‌ای شده است برای تیره‌روزی انسان، برای بدبختی جوامع بشری. آن کسانی که امروز به دنیا دارند زور می‌گویند، با تکیه‌ی به فراورده‌های دانش خود است که

سیاست‌پژوی

تبارشناسی و برابرنهاد نظریه‌ی جاهلیت مدرن در اندیشه سیاسی آیت‌الله خاмене‌ای



دارند زور میگویند؛ این سلاحی که دارند ساخته شده و فراورده‌ی دانش است، ابزارهای اطلاعاتی که دارند، ابزارهای امنیتی که دارند، ابزارهای عظیم تبلیغاتی که دارند، این‌ها فراورده‌های علم است؛ همه‌ی آنها در خدمت همان شهوت و غضب است» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۲/۱۶).

همچنان که فارابی نیز در تقسیم‌بندی خود در انواع جاهلیت معتقد است؛ نوعی از جاهلیت غلبه و تلاش برای تسلط بر دیگران است، جاهلیت مدرن نیز از طریق دانش و تبلیغات رسانه‌ای می‌کوشد تا در پی استیلا بر جهان برآید. آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با فرماندهان ارشد نظامی و انتظامی کشور نیز به طرح موضوع جاهلیت مدرن در دنیای کنونی از همین زاویه دید پرداخته و در همین ارتباط توضیح می‌دهند:

«...دنیای هم دنیای زورگویی است؛ دنیای ظلم است؛ دنیای خوبی نیست؛ دنیای بدی است؛ دنیای جاهلیت است؛ دنیای غلبه‌ی شهوت‌ران‌ها و زورگوها بر اکثر مردم جهان است... می‌بینید رفتار این سران دنیا را؛ برای اطماع خودشان، برای حرص خودشان، برای پشتیبانی و حمایت از کمپانی‌های مورد تأیید خودشان، برای پر کردن جیب‌های کمپانی‌داران و سرمایه‌داران بزرگ، می‌بینید چه فجایعی در دنیا دارد اتفاق می‌افتد؛ البته زیر نام نیک شعارهای توخالی و دروغین. جنگ‌طلبند، اسم صلح را می‌آورند و زیر تابلوی صلح می‌ایستند؛ برای انسانها و بشر هیچ حق و اعتباری قائل نیستند، زیر تابلوی حقوق بشر قرار می‌گیرند؛ اهل تجاوزند، تجاوز جزو سیاست‌های اصلی کارهایشان است، ادعای مقابله با تجاوز می‌کنند؛ در سیاست‌های خودشان، در رفتارهای خودشان، از همه‌ی شیوه‌های کثیف استفاده می‌کنند و بهره می‌گیرند؛ از ترور استفاده می‌کنند، سازمان‌های تروریست به وجود می‌آورند، شرکت‌های تروریست استخدام می‌کنند.» (بیانات در دیدار فرماندهان ارشد نظامی و انتظامی، ۱۳۸۹/۰۱/۲۲).

ایشان در توصیف رویکرد زورگویانه و استیلاجویانه‌ی تمدن غرب که از مصادیق



جاهلیت مدرن به شمار می‌رود، در جایی دیگر معتقدند:

«از قرن شانزدهم و هفدهم میلادی اروپایی‌ها شروع کردند به شالوده‌ریزی یک تمدن جدید، و چون مادی بود از ابزارهای گوناگون بی‌محابا استفاده کردند؛ [از طرفی] به سمت استعمار رفتند، به سمت مغلوب کردن ملت‌ها رفتند، به سمت غارت کردن ثروت ملت‌ها رفتند؛ از یک طرف هم خودشان را در درون تقویت کردند با علم و با فناوری و با تجربه، و این تمدن را بر عالم بشریت حاکم کردند... این تمدن ظاهر پُرزرق‌وبرقی داشت اما باطن خطرناکی برای بشریت داشت (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۴/۱۰/۰۸).

رهبر انقلاب شهوت‌رانی و تلاش برای به حداکثر رساندن لذت‌جویی را عامل خون‌ریزی‌ها و کشتارهای وحشیانه در جنگ‌های جهانی می‌داند:

«...وقتی که شهوت و غضب بر رفتار انسانها حاکم شد، آن وقت شما ملاحظه می‌کنید که در دو جنگ بین‌الملل، میلیون‌ها انسان به خاک و خون می‌غلتنند، جان انسان بی‌مقدار می‌شود، حرمت انسان از بین می‌رود. این حاکمیت شهوت و غضب، یا در مقابل، حاکمیت خرد راهنمایی شده‌ی به دست انبیا، در همه‌ی سطوح هست؛ در سطوح فردی هم هست، در سطوح جامعه هم هست، در سطوح بین‌المللی هم هست... استعمار و تحقیر ملت‌ها و غارت منابع مالی ملت‌ها و فاسد کردن منابع انسانی ملت‌ها، ناشی از آن حاکمیت جاهلیت است. وقتی جاهلیت حاکم شد، شما می‌بینید ملت‌های بسیاری در سطح جهان در زیر چکمه‌ی استعمار له می‌شوند، منابع آنها غارت می‌شود، خود آنها تحقیر می‌شوند، سالها عقب می‌افتند...» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۲/۱۶).



بدین ترتیب بر اساس آموزه‌های قرآنی، حدیثی، فلسفه سیاسی شیعه و به ویژه

حدیث «جنود عقل و جهل» که ظلم، ستم، خشونت، گردنکشی و عدم تسلیم در برابر حق را سربازان و نشانگان جهل توصیف می‌کند ملاحظه می‌شود که آیت... خامنه‌ای

یاست پژوهی

تبارشناسی و برابرنهاد نظریه‌ی جاهلیت مدرن در اندیشه سیاسی آیت... خامنه‌ای

این عناصر را در توصیف جاهلیت مدرن غرب به کار می‌گیرند.

۲-۲. خودخواهی، بی‌بند و باری و آزادی به شیوه غرب:

آیت... خامنه‌ای فلسفه‌ی بعثت پیامبران و به ویژه رسول اکرم (ص) را تقابل با جاهلیت دانسته و در تحلیل و توضیح جاهلیت پیش از اسلام و شباهت‌های آن با جاهلیت مدرن امروز بخشی از آن را با شیوه زندگی بی‌بند و بار غربی مترادف دانسته و اظهار می‌دارد:

«...بعثت برای مقابله‌ی با «جاهلیت» آمد. جاهلیت در ادبیات اسلامی، دوران قبل از طلوع نبوت پیامبر مکرم است. نباید تصور کرد که این جاهلیت، مخصوص جزیره‌العرب و عرب‌های مکه و حجاز و بقیه‌ی نقاط بود؛ نه، آن جاهلیت عمومیّت داشت؛ ایران آن روز هم غرق در جاهلیت بود، امپراتوری روم آن روز هم غرق در جاهلیت بود؛ اسلام و بعثت پیامبر برای مقابله‌ی با همه‌ی این جاهلیت پدید آمد. جاهلیت فقط به معنای فقدان علم نیست؛ در تعبیرات اسلامی و در ادبیات اسلامی، جاهلیت معنای بسیار وسیع‌تری دارد؛ بخشی از جاهلیت، فقدان علم و نداشتن علم است اما جاهلیت به معنای وسیع عبارت است از غلبه و حاکمیت نیروی شهوت و غضب انسانی بر محیط زندگی؛ این می‌شود جاهلیت. جاهلیت یعنی جوامع انسانی، تحت تأثیر تمایلات شهوی و غضبی عمدتاً فرمانروایان خود به شکلی دربیاید که فضائل در آن گم بشود و رذائل حاکم بشود؛ این می‌شود جاهلیت. (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۴/۰۲/۲۶)

در این سخنان همچنان که پیشتر گفته شد آیت... خامنه‌ای جهل را به معنای افسارگسیختگی در شهوت‌رانی دانسته و این عامل را سبب‌ساز قساوت قلب و خون‌ریزی‌ها می‌داند. همچنین ایشان معتقدند این شهوت‌رانی سبب جنون و اعمال جنون‌آمیز است. در همین حال، از منظر آموزه‌های حدیثی نیز امام علی (ع) نیز عقل را



در برابر شهوت‌رانی قرار می‌دهند:

«... پس نادرستی‌های اخلاقت را به فضلت پوشان و با عقلت هوست را بکش تا دوستی مردم برایت سالم بماند و محبت تو بر آن‌ها آشکار گردد» در شرح این حدیث آمده: «خواهش‌های نفسانی انسان همیشه او را تهییج و به ستم و کار زشت تحریک می‌کنند ولی عاقل به وسیله‌ی عقلش شهوت را خاموش می‌کند و روی آن‌ها پرده می‌اندازد تا از طرف آن آزاری به مردم نرسد و به راستی و حقیقت مردم را دوست داشته باشد...» (اصول کافی، باب عقل و جهل، روایت سیزدهم).

بنابراین حدیث، عقل پوشاننده‌ی شهوت‌رانی بوده و آدمی با پرهیز از ستم و آزار مردم تلاش می‌کند خلاق را دوست داشته باشد، حال آنکه جهل با تمنیات نفسانی و شهوت‌رانی همراه است که این ویژگی مطابق با سخنان رهبر انقلاب یکی از نشانگان گفتمان جاهلیت مدرن می‌باشد:

«آنچه امروز دستگاه‌های سیاسی غرب ترویج می‌کنند، همان جاهلیتی است که بعثت پیغمبر برای زدودن آن - از محیط زندگی بشر - به‌وجود آمد. نشانه‌های همان جاهلیت امروز در دنیا، در این تمدن رایج فاسد غربی، مشاهده می‌شود؛ همان بی‌عدالتی، همان تبعیض، همان نادیده گرفتن کرامت انسان، همان عمده کردن مسائل جنسی و نیازهای جنسی. قرآن کریم خطاب به همسران مکرم پیغمبر می‌فرماید: وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ یکی از نشانه‌های جاهلیت اولی، تبرج زنانه است. امروز یکی از عمده‌ترین مظاهر تمدن غربی، همین تبرج است؛ این همان جاهلیت است، منتها جاهلیتی که توانسته است خود را با سلاح تبلیغات مدرن مجهز بکند، حقایق را از چشم مردم بپوشاند...» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۳/۰۳/۰۶).

سیاست‌پژوی

تبارشناسی و برابرنهاد نظریه‌ی جاهلیت مدرن در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای



آیت‌الله خامنه‌ای زیست‌نگاه غربی را فرو رفته در عمیق‌ترین وضعیت جاهلانه می‌بیند که در آن افزون بر تبعیت از شهوت و نفس، وارونگی اساسی‌ترین معقولات

انسانی، ملاحظه می‌شود و همچنان که در توصیف مدینه‌ی شقوت (سقوط) نیز آمده انسان‌ها غایت را در لذاذذ مضاعف و حد اکثر شهوت‌رانی می‌دانند:

«...در کشورها همجنس‌بازی را قانونی می‌کنند، نه فقط قانونی می‌کنند بلکه کسانی که معترض به این باشند را به شدت هُو میکنند؛ دیگر از این فساد بالاتر! یک عده‌ای خیال می‌کردند -در سالهای قبل- در غرب که آزادی زن‌ومرد و ارتباط زن‌ومرد هست، هوس‌ها کمتر است و انگیزه‌ها کمتر است؛ اینجایی که محدودیت هست، الإنسانُ حَرِیصٌ عَلٰی مَا مَنَعَهُ! حالا معلوم شد که نخیر به عکس است؛ آنجا که آزادی هست، آنجا که هیچ‌گونه حدومرزی برای ارتباط زن‌ومرد وجود ندارد، روزبه‌روز شهوات جنسی در آن‌ها قوی‌تر، فعال‌تر، خشونت‌آمیزتر، مهاجم‌تر دارد بروز و ظهور پیدا می‌کند. و در این حد هم متوقف نخواهد ماند؛ در آینده‌ای که ما نمی‌دانیم کی خواهد بود، بحث به ازدواج محارم خواهد رسید! بحث به کارهای حساس‌تر خواهد رسید؛ یعنی دنیای فساد اخلاقی به این سمت دارد می‌رود؛ این‌ها بحث مسائل اخلاقی‌اش بود» (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۰۶).

همچنان که رهبر انقلاب غرب را متهم به فساد و هوس‌رانی افسارگسیخته می‌نماید، آموزه‌های قرآن کریم نیز قوم لوط را که به همجنس‌گرایی مشغول بودند شهوت‌ران و اسراف‌کار معرفی می‌کند که خداوند در پی عذابی سخت ایشان را هلاک می‌نماید (اعراف، ۸۰ و ۸۱). در واقع قوم لوط عمل زناشویی را ترک گفته و مردان به یکدیگر اکتفا نمودند؛ این فعل در هیچ قومی دیده نشده بود و به عنوان فحشاء بی‌سابقه تلقی شده و قرآن نیز به دلیل اینکه این کار تجاوز و انحراف از فطرت بوده، آن را اسراف نامیده است (طباطبایی، ج ۱۳۷: ۸، ۲۳۲).

آیت... خامنه‌ای همچنین سبک زندگی غربی را به ویژه در شکل آمریکایی که تلفیقی از انواع جهالت محسوب می‌شود، منجر به منکوب شدن ارزش‌های انسانی

ساست شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



توصیف و معتقدند:

«... ارزش‌های انسانی در آن کشور نابود شده و لگدمال شده است؛ تبعیض نژادی وجود دارد. همین چند روز قبل از این آن مرد در تبلیغات انتخاباتی‌اش ایستاد و گفت شما اگر رنگین‌پوست هستید، اگر سیاه‌پوست و سرخ‌پوست هستید، در خیابان‌های نیویورک و شیکاگو و واشنگتن و کالیفرنیا و غیرذلک وقتی راه می‌روید، نمیتوانید مطمئن باشید که تا چند دقیقه‌ی دیگر زنده‌اید. ارزش‌های انسانی در آنجا لگدمال شده است؛ تبعیض، اختلاف، نژادپرستی، لگدمال کردن حقوق بشر...» (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۵/۰۸/۱۲).

بر این اساس، آزادی و بی‌بندوباری در غرب را در اندیشه آیت‌... خامنه‌ای می‌توان مساوی با خودخواهی انسان دانست که در آموزه‌های اسلامی و شیعی به شدت از آن نهی شده است. به بیان بهتر، مطابق با حدیث امام صادق (ع) در باب شناخت جنود عقل و جهل؛ جهل از روی خودبینی، خودپرستی، و خودخواهی پدید آمد که این موارد اوصاف ابلیس بوده و در واقع جهل «ارث ابلیس» می‌باشد که هر کس در این مسلک ورود نماید، از «ذریه» اوست. خودبینی حاصل از جهل منجر به عصیان و سرکشی شده و فعلیت گرفتن جهل به معنای خروج از ساحت تقرب الهی و الحاق به حزب ابلیس است (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۲۲). از منظر آیت‌... خامنه‌ای مطابق با آموزه‌های اسلامی، حدیثی و فلسفه سیاسی شیعی هر ملتی که به ساحت جهل در آید و قوای جاهلیت را در خود بپروراند از عالم سعادت به شقاوت در آمده و در پی شهوت‌رانی و خودخواهی از بندگی خداوند خارج خواهد شد. بر همین مبنا، جاهلیت امروزی با محور قرار دادن انسان (اومانیزم)، خواهان شهوت‌پرستی، تعدی به ساحت زن و از بین بردن کرامت انسان‌ها به بهانه تقدس آزادی بوده و در همان مسیری قرار دارد که جاهلیت پیش از اسلام قرار داشت.

سیاست‌پژوهی

تبارشناسی و برابرنهاد نظریه‌ی جاهلیت مدرن در اندیشه سیاسی آیت‌... خامنه‌ای



۲-۳- تبلیغات، دروغ پراکنی و تهاجم خاموش به ملت‌ها:

رهبر انقلاب اسلامی بخش دیگری از مصادیق جاهلیت مدرن را در قالب رسانه و تبلیغات غرب که بر محور دروغ و نیرنگ به جهت بزرگ‌نمایی‌های کاذب از تمدن غرب انجام می‌شود، ارزیابی می‌کنند:

«...دروغ، تبلیغ خلاف واقع، سخن نادرست نقطه‌ی مقابل حقیقت؛ این آن چیزی است در سیاست‌های غربی‌ها انسان مشاهده می‌کند. امروز آمریکایی‌ها ادعا می‌کنند می‌خواهند با تروریسم مبارزه کنند، درحالی‌که خطرناک‌ترین گروه‌های جرّار تروریستی را خود این‌ها به وجود آوردند؛ داعش را چه کسی به وجود آورد؟ خودشان اعتراف می‌کنند که در ایجاد داعش نقش و سهم اصلی را داشته‌اند... آن وقت در شعارهایشان، اظهارشان این است که ما با تروریسم مخالفیم، ما با داعش مخالفیم؛ و دروغ می‌گویند، خلاف واقع می‌گویند. این جاهلیت است؛ این همان جاهلیتی است که امروز در دنیا وجود دارد... جاهلیت مدرن امروز، جاهلیتی خشن، بی‌رحم، قسی‌القلب و مجهز به انواع و اقسام ابزارها است...» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۴/۰۲/۲۶).

یکی دیگر از ویژگی‌های جهالت مدرن بر طبق نظر رهبر انقلاب را می‌توان در قالب تهاجم خاموش فرهنگی و خشونت پنهان علیه ملت‌ها جست‌وجو کرد؛ بر اساس اندیشه‌ی ایشان خصوصیت بارز «جاهلیت مدرن» صرف نظر از جنگ و خشونت آشکار و آتش‌افروزی «خشونت فرهنگی» و «خشونت خاموش» می‌باشد و در نامه‌ی تاریخی خود خطاب به جوانان غربی اظهار می‌دارد:

«...در دوره‌ی معاصر، جهان غرب با بهره‌گیری از ابزارهای پیشرفته، بر شبیه‌سازی و همانندسازی فرهنگی جهان پافشاری می‌کند. من تحمیل فرهنگ غرب بر سایر ملت‌ها و کوچک شمردن فرهنگ‌های مستقل را یک خشونت خاموش و بسیار زیان‌بار تلقی می‌کنم. تحقیر فرهنگ‌های غنی و اهانت به محترم‌ترین بخش‌های آنها در حالی صورت می‌گیرد که فرهنگ

ساز شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



جایگزین، به هیچ وجه از ظرفیت جانشینی برخوردار نیست. به طور مثال، دو عنصر «پرخاشگری» و «بی‌بندوباری اخلاقی» که متأسفانه به مؤلفه‌های اصلی فرهنگ غربی تبدیل شده است، مقبولیت و جایگاه آن را حتی در خاستگاهش تنزل داده است. اینک سؤال این است که اگر ما یک فرهنگ ستیزه‌جو، مبتذل و معناگیز را نخواهیم، گنه‌کاریم؟ اگر مانع سیل ویرانگری شویم که در قالب انواع محصولات شبه هنری به سوی جوانان ما روانه میشود، مقصّریم؟ من اهمّیت و ارزش پیوندهای فرهنگی را انکار نمی‌کنم. این پیوندها هر گاه در شرایط طبیعی و با احترام به جامعه‌ی پذیرا صورت گرفته، رشد و بالندگی و غنا را به ارمغان آورده است. در مقابل، پیوندهای ناهمگون و تحمیلی، ناموفق و خسارت‌بار بوده است» (نامه رهبر انقلاب اسلامی به عموم جوانان در کشورهای غربی، ۱۳۹۴/۰۹/۰۸).

یاست پژوهی

بر مبنای آنچه گفته شد، رهبر انقلاب عناصر ذاتی و دال‌های گفتمان جاهلیت مدرن را شامل «پرخاشگری»، «ستیزه‌جویی» و «ابتذال» می‌دانند که غرب تلاش می‌کند این مؤلفه‌ها را از طریق رسانه‌ها و در قالب دروغ و به صورت خاموش به فرهنگ‌های جوامع دیگر تحمیل سازد و آنها را تا حد امکان به خود شبیه کند.

۳. برابر نهاد^۱ جاهلیت مدرن در اندیشه‌ی رهبر انقلاب:

مجموعه مواردی که در اندیشه سیاسی آیت‌... خامنه‌ای در مورد جاهلیت مدرن گفته شد بدین معنا نیست که معضل جاهلیت مدرن غیر قابل مدیریت تلقی می‌شود؛ مروری بر آیات قرآنی، آموزه‌های حدیثی، فلسفه شیعی و اندیشه امام خمینی و رهبر انقلاب بیانگر این نکته است که در مواجهه با جاهلیت راهکارهایی ولو دشوار وجود دارد که می‌تواند برای جوامع رهایی بخش تلقی شود و آنان را از بند جهالت برهاند. از آنجا که فلسفه‌ی وجودی انقلاب اسلامی بر اساس اصل «هدایت» ابناء بشریت قرار دارد رهبر انقلاب نیز متأثر از آموزه‌های نظری مذکور برابر نهادهایی را برای جاهلیت مدرن متصور

تبارشناسی و برابر نهاد نظریه‌ی جاهلیت مدرن در اندیشه سیاسی آیت‌... خامنه‌ای



است که می‌توان آن را در قالب نکات ذیل صورتبندی کرد:

۳-۱. بازگشت به اصول دین (توحید، معاد و نبوت):

مطابق آیات قرآن هدف متوسط از خلقت بندگی خداست (ذاریات، ۵۲) و هدف عالی خلقت وصول به مبدأ نور هستی است (نجم، ۴۲) چه آنکه بازگشت همه به سوی خداست (بقره، ۱۵۶) و هر آنچه در مسیر گرایش به پروردگار قرار گیرد بت‌های جاهلیت معنا می‌شود؛ بدین ترتیب رهبر انقلاب با قرار دادن جاهلیت مدرن در برابر باور به اصول دین، بر این باور است که بازگشت به اصول دین در قالب مفاهیم «توحید»، «معاد» و «نبوت» تنها روشی است که می‌تواند انسان را از جهالت نجات دهد. ایشان در این باره تصریح می‌کنند:

«امیرالمؤمنین درباره‌ی علّت بعثت پیامبران، جمله‌ای در نهج‌البلاغه‌ی شریف دارد که خیلی باید درباره‌ی آن تأمل کرد؛ می‌فرماید: لَيْسَتْ أَدْوَاهُ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ؛ پیامبران انسانها را وادار می‌کنند به اینکه آن معاهده‌ی فطری را که در نهاد بشر نهاده شده است عمل کنند، اعتراف کنند به آن معاهده؛ خدای متعال از بشر خواسته است که آزاد باشد، با عدالت زندگی کند، با صلاح زندگی کند، بندگی غیر خدا را نکند. لَيْسَتْ أَدْوَاهُ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يُذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ؛ نعمت فراموش شده را به یاد انسان‌ها بیاورند... پیامبران این [نعمات الهی] را به یاد انسان‌ها می‌آورند. وَ يُذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ وَ يَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ؛ حجت را بر مردم تمام کنند، سخن حق را به گوش آن‌ها برسانند، حقیقت را برای آن‌ها آشکار کنند؛ تبیین، بیان، مهم‌ترین وظیفه‌ی پیغمبران است. دشمنان پیغمبران از جهل‌ها و پرده‌پوشی‌ها استفاده می‌کنند، از پوشش نفاق استفاده می‌کنند؛ پیغمبران پوشش جهل و نفاق را می‌درند. وَ يُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ؛ گنجینه‌ی خرد را برای بشر بازگشایی کنند؛ پیغمبران برای این آمدند که انسانها را به تعقل وادار کنند، به اندیشیدن وادار کنند، به فکر کردن وادار کنند؛ ببینید چه هدفهای بزرگی



است؛ [اهداف] بعثت اینها است. امروز بشر چقدر احتیاج دارد! بعد هم که بازگشایی گنجینه‌های خرد در انسانها انجام گرفت، وَ يُرُوهُمْ آياتِ الْمَقْدِرَةِ؛ عقل بشر را هدایت کنند به سمت توحید، به سمت آیات الهی، و آیات قدرت پروردگار را در مقابل چشم آنها قرار بدهند...» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۲/۱۶).

همچنان که در سخنان رهبر انقلاب، نشانگان و خصوصیات جاهلیت مدرن تصریح شده است، آنچه مهم‌ترین عامل در بروز این ویژگی‌هاست مسأله‌ی انکار توحید و معاد می‌باشد چرا که اگر باور به این دو مؤلفه وجود داشت سبک زندگی و محورهای اندیشگی نیز متفاوت با وضع موجود می‌بود. در سوره‌ی تکاثر که سوره‌ای مکی بوده و خداوند مردمان شهوت‌ران، مادی و زیاده‌طلب را خطاب قرار می‌دهد سخن از این است که فزون‌طلبی آدمی را بازی داد (تکاثر، ۱) علامه طباطبایی در تفسیر آیات ابتدایی این سوره می‌گوید: «تفاخر و تکاثر شما را به خود مشغول داشته و حرص در داشتن مال و زینت دنیا و مسابقه گذاشتن در جمع‌آوری مال، شما را از آنچه واجب بود، یعنی ذکر خدا غافل کرد» در تفسیر آیه‌ی پنجم همین سوره نیز آمده:

«این‌طور نیست که شما تفاخرکنندگان می‌پندارید؛ اگر شما به آخرت ایمان و علم‌الیقین می‌داشتید، هرگز به سراغ این امور نمی‌رفتید و نسبت به این موضوعات باطل تفاخر و مباهات نمی‌کردید» (طباطبایی، ج ۲۰، ۱۳۷۴: ۸۸۸۳).

مطابق با این تفسیر، غفلت از توحید منجر به بروز رذایل اخلاقی همچون شهوت‌پرستی، ظلم، تعدی و تفاخر بیهوده‌ی مادی شده که نشان‌دهنده‌ی جاهلیتی عمیق است و بنابراین بازگشت به نگرش توحیدی در جوامع می‌تواند موجب کاهش آثار جهالت شود که این مهم از سوی رهبر انقلاب نیز مورد تاکید قرار گرفته است. ایشان در جایی دیگر نیز اظهار می‌دارند:



«...عقلِ هدایت نشده، بدون هدایت پیامبران نمی‌تواند حقیقت را آن‌چنان که هست دریابد؛ پیامبران دست خرد انسانی را میگیرند، او را راهنمایی

میکنند و با توانی که خدا در او قرار داده است، این راه دشوار زندگی را طی میکنند، حقایق عالم را برای انسان آشکار میکند. قدرت خرد، خردورزی در انسان مهم است اما با هدایت الهی، با دستگیری خدا. خب، اینها بعثت است. جبهه‌ی مقابل بعثت، جبهه‌ی جاهلیت است. جاهلیت را یک امر مربوط به یک مقطع تاریخی مشخص و معینی نباید دانست که بگوییم آن روز پیغمبر در مقابل جاهلیت قرار داشت و آن روز گذشت؛ جاهلیت مخصوص آن روز نیست؛ جاهلیت ادامه دارد، همچنان که بعثت ادامه دارد. این دوجبه‌ای در میان بشر هست؛ این جاهلیتی که در مقابل بعثت پیغمبران است، به معنای نداشتن علم نیست؛ این جهل، جهل در مقابل علم نیست؛ گاهی علم در خدمت جاهلیت قرار می‌گیرد، ... این جاهلیت نقطه‌ی مقابل عقل هدایت‌شده‌ی به‌وسیله‌ی پیامبران و پروردگار است. وقتی که بر زندگی بشر خرد حاکم بود، آن هم خردی که در زیر حمایت و در سایه‌ی هدایت پیامبران است، زندگی سعادت‌مند خواهد شد؛ باید دنبال این بود. آن‌روزی که این نباشد، خرد بشری حاکم نباشد، شهوت و غضب حاکم خواهد شد؛ نفسانیات حاکم خواهد شد. آن وقت است که بشر در کوره‌ی گداخته‌ای از بدبختی‌ها خواهد سوخت؛ همچنان که در طول تاریخ دیده‌ایم و امروز هم داریم مشاهده می‌کنیم...» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۶/۰۲/۱۳۹۵).

۳-۲. دشمن‌شناسی و مرزبندی با استکبار:

آیت‌ا... خامنه‌ای تبیین مرزبندی با مستکبران را از دیگر برابرنهادهایی می‌دانند که از قابلیت خوبی برای مبارزه با جاهلیت مدرن برخوردار است و می‌تواند منجر به رهایی از جاهلیت شود:

«...در مقابل این گفتمان (گفتمان انقلاب اسلامی) گفتمان جاهلیت امروز دنیا است. گفتمان اسلامی، طرف‌دار عدالت است، طرف‌دار آزادی بشر است، طرف‌دار از بین رفتن زمینه‌های استکبار و استعمار است، طرف‌دار



نابودی نظام سلطه در همه‌ی جهان است؛ یعنی در دنیا دو جناح سلطه‌گر و سلطه‌پذیر وجود نداشته باشد؛ این گفتمان نظام اسلامی است؛... نقطه‌ی مقابل آن، یک گفتمان ظالمانه، زورگویانه، متکبرانه و خودخواهانه است از سوی قدرتهای انحصارطلب عالم، قدرتهای سلطه‌گر عالم که متکی به بنگاه‌های اقتصادی بزرگ جهانند؛ همیشه‌ی دنیا بوده‌اند، امروز هم هستند؛ در گذشته با صراحت و وقاحت آشکار زبانی، حقیقت خودشان را نشان می‌دادند؛ امروز در پوشش‌های گوناگون الفاظ زیبا، مثل حقوق بشر، مثل عدم خشونت و امثال اینها، منافقانه و ریاکارانه کار خودشان را پیش می‌برند؛ اما چشمان تیزبین ملت‌ها می‌تواند تشخیص بدهد؛ می‌تواند این دو گفتمان را در مقابل هم ببیند. این دو گفتمان با هم آشتی نمی‌کنند، این دو گفتمان به هم نزدیک نمی‌شوند؛ نمی‌توانند آشتی کنند. یک گفتمان گفتمان ظلم و ستیزه‌گری با مظلومان و ملت‌ها است؛ یک گفتمان گفتمان حمایت از مظلومان و مقابله‌ی با ظالمان است؛ اینها چطور می‌توانند دست به هم بدهند؟ (بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دانشگاه افسری امام حسین علیه السلام، ۱۳۹۴/۰۲/۳۰).

رهبر انقلاب همچنین با اشاره به راه‌های تقابل با جاهلیت مدرن، دشمن‌شناسی و بصیرت را بسیار مهم ارزیابی می‌کنند:

«... اولاً بصیرت داشته باشیم، دشمن را بشناسیم، دوست را بشناسیم. امروز در کشورهای اسلامی، کشورهایی هستند که مسئولان آن کشورها دچار خطای باصره‌اند؛ نمی‌توانند دوست را از دشمن تشخیص بدهند. دشمن را دوست خیال می‌کنند، دوست را دشمن خیال می‌کنند؛ خب، انسان ضربه می‌خورد. یک‌چنین کشوری، با چنین نگاهی، با چنین بینشی، دچار ضربه می‌شود؛ بصیرت لازم است. قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَىٰ ... عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي. اگر بصیرت وجود داشته باشد، انسان راه را درست بشناسد، آن‌وقت عزم و اراده هم به‌خرج بدهد و نشان بدهد، راه، آسان پیموده خواهد شد؛ نصرت الهی یعنی همین؛ إِنْ تَنْصُرُوا ... يَنْصُرْكُمْ؛ از این

یاست پژوهی

تبارشناسی و برابر نهاد نظریه‌ی جاهلیت مدرن در اندیشه سیاسی آیت‌الله خاکنای



واضح تر و از این صریح تر، چه می شود گفت؟ ان تَنْصُرُوا... يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامُكُمْ؛ نصرت خدا یعنی همین؛ راه خدا را شناختن و پیدا کردن، دنبال آن رفتن، به توطئه‌ی دشمن، به تحمیق دشمن، به تحمیل دشمن تن ندادن. قرآن این را برای ما تأمین می کند (بیانات در دیدار شرکت کنندگان در سی و دومین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم، ۱۳۹۴/۰۳/۰۲).

۳-۳. ایجاد تمدن نوین اسلامی:

با تمام این اوصاف برابر نهاد اصلی که آیت... خامنه‌ای در برابر جاهلیت مدرن مطرح می نمایند ساخت تمدنی بر پایه‌ی عقل در برابر تمدنی جهل پایه می باشد که یک تقابل همه جانبه و ساختاری است؛ ایشان در این باره معتقدند:

«دنیای اسلام امروز وظیفه دارد مثل خود اسلام و مثل خود پیغمبر، روحی در این دنیا بدمد، فضای جدیدی ایجاد کند، راه تازه‌ای را باز کند. ما به این پدیده‌ای که در انتظار آن هستیم می گوئیم «تمدن نوین اسلامی». ما باید دنبال تمدن نوین اسلامی باشیم برای بشریت؛ این تفاوت اساسی دارد با آنچه قدرت‌ها درباره‌ی بشریت فکر می کنند و عمل می کنند؛ این به معنای تصرف سرزمین‌ها نیست؛ این به معنای تجاوز به حقوق ملت‌ها نیست؛ این به معنای تحمیل اخلاق و فرهنگ خود بر دیگر ملت‌ها نیست؛ این به معنای عرضه کردن هدیه‌ی الهی به ملت‌ها است، تا ملت‌ها با اختیار خود، با انتخاب خود، با تشخیص خود راه درست را انتخاب کنند. راهی که امروز قدرتهای جهان ملت‌ها را به آن راه کشانده‌اند، راه غلط و راه گمراهی است. این وظیفه‌ی امروز ما است» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۴/۱۰/۰۸).

آیت... خامنه‌ای در فرصت دیدار با قاریان قرآن نیز خطاب به ملت‌های اسلامی در باب جاهلیت مدرن و راهبردهای تقابل با آن تصریح می کند:

«نگذاریم جاهلیت، خود را بر جوامع ما و بر زندگی ما تحمیل کند؛ که کرده است. امروز دنیای اسلام در چنبره‌ی فشار نظام‌های جاهلی رنج



می‌برد و درد می‌کشد. امروز دنیای اسلام دچار ضعف است، دچار فقر است، دچار اختلاف است، دچار جنگ‌های داخلی است، دچار مصرف‌کردن منابع و نیروهای عظیم درونی خود علیه خود است. این را بر دنیای اسلام تحمیل کرده‌اند؛ قرآن می‌خواهد ما را از فشار این تحمیل‌ها خارج کند؛ باید به اینجا برسیم. قرآن را فرا بگیریم، با قرآن انس بگیریم، در مقابل قرآن تسلیم باشیم، برای حرکت به سمت اهداف قرآنی عزم و اراده به خرج بدهیم؛ آن وقت می‌توانیم. اگر یک قدم جلو برویم، خدای متعال به ما نیروی مضاعف می‌بخشد. این آن چیزی است که امروز ملت‌های مسلمان باید این را بفهمند؛ باید این را درک کنند؛ یک قدم برداریم، تجربه کنیم» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در سی و دومین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، ۱۳۹۴/۰۳/۰۲).

یاست پژوهی

رهبر انقلاب هم‌چنین با خطاب قرار دادن روشن‌فکران راستین و عالمان دینی جهان اسلام، این طیف را موظف به تبیین تمدن نوین اسلامی در امت مسلمان می‌دانند:

«این عمدتاً خطاب به علمای دین و روشنفکران راستین است. بنده دیگر چندان امیدی به سیاستمدارها ندارم. قبل‌ها تصور می‌شد که سیاستمداران دنیای اسلام در این راه بتوانند کمک کنند، [اما] متأسفانه این امید ضعیف شده است. امروز امید ما به علمای دین در سراسر دنیای اسلام و به روشنفکران راستین [است] که غرب را قبله‌ی خودشان ندانند؛ امید به آنها است و این ممکن است. نگویند این کار، شدنی نیست؛ این کار شدنی است، این کار عملی است. دنیای اسلام ابزارهای فراوانی دارد: ما جمعیت خوبی داریم، سرزمین‌های خوبی داریم، موقعیت جغرافیایی برجسته‌ای داریم، منابع طبیعی بسیاری در دنیای اسلام داریم. نیروهای انسانی با استعداد و برجسته‌ای در دنیای اسلام داریم که اگر اینها را با تعالیم اسلام مستقل بار بیاوریم، می‌توانند آفرینش‌های هنرمندانه‌ی خودشان را در عرصه‌ی علم، در عرصه‌ی سیاست، در عرصه‌ی فناوری و در عرصه‌های گوناگون اجتماعی نشان بدهند و ارائه بدهند» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و



نتیجه‌گیری

از منظر امام خمینی، بنیانگذار فقید انقلاب اسلامی، این انقلاب دارای هویتی هدایت‌گرانه بوده چرا که بر مبنای آموزه‌های اسلامی و قرآنی شکل گرفته است و از همین روی به ابنای بشریت تعلق دارد. بر این اساس، در حقیقت انقلاب اسلامی به مثابه‌ی نظامی الهی روابط خود با سایر ملل را بر مبنای اصل دعوت به توحید و هدایت بشریت قرار می‌دهد و از همین سوی با بهره‌گیری از آموزه‌های الهی اسلام تلاش می‌کند انسان‌ها را به عالم معقولات و توحید داخل نماید و در برابر آدمی را از ابتلا به جاهلیت مدرن بر حذر دارد؛ آنچنان که این نوشتار نشان داد جاهلیت مدرن در گفتمان رهبر انقلاب اسلامی نیز به عنوان یکی از عناصر «غیر» به صورتی دقیق و مطابق باورهای رایج اسلامی و به ویژه فلسفه سیاسی شیعی در خوانش از فارابی و ملاصدرا و به شدت متأثر از آرای سید قطب و اندیشه سیاسی امام خمینی مفصل‌بندی و معناسازی شده است. اگرچه در این میان می‌توان تاثیر نگرش افرادی چون شریعتی و جلال آل احمد و... را نیز موثر بر این شیوه نگرش دانست اما این نوشتار به منظور پرهیز از تطویل، بیشتر کوشید تا نشان دهد بر مبنای مواضع رهبر انقلاب اسلامی، جاهلیت مدرن بازتولید جاهلیت اولیه در وسعت بسیار زیاد با توان و نیرویی مضاعف است. از منظر ایشان جاهلیت مدرن همچنین دارای دو ویژگی اصلی «شهوته‌رانی افسارگسیخته» و «نهایت غضب و قساوت» است و بخشی از مهمترین برنامه‌های جاهلیت مدرن شامل «سلطه‌گری و جنگ‌افروزی»، «دروغ افکنی برای تحمیل فرهنگ منحط غربی» و «عمده کردن بی‌بندوباری در مسایل جنسی» است. با توجه به تبارشناسی که در باب صورتبندی مفهوم «جهل» در اندیشه سیاسی آیت‌ا... خامنه‌ای صورت پذیرفت، غرب را می‌توان مصداق «تاریکی» و تلفیقی از انواع و اقسام مدینه‌های جاهلی بر شمرد و فرهنگ غربی را به عنوان بستر گسترش ارزش‌های منحط و غیرفطری

سازشوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



ارزیابی کرد که از طریق تبلیغات و دروغ‌پردازی‌های گسترده ابتدا به بزرگ‌نمایی و فخرفروشی تمدنی پرداخته و سپس در پی اشاعه ارزش‌های خود به جوامع ارزش‌مدار به ویژه امت اسلامی است. بر مبنای اندیشه سیاسی رهبر انقلاب نیز برابرنهاد این روند را فقط می‌توان در بازگشت به اصول دینی، دشمن‌شناسی و سپس ساخت‌الگوی تمدن نوین اسلامی که مبتنی بر عقل و نه جهل باشد، جست‌وجو کرد؛ از این منظر نظام آرمانی رهبر انقلاب را در مواجهه با جاهلیت مدرن، می‌توان نظامی دانست که منشاء و مقصدی الهی داشته و غایتش هدایت مردم به سمت سعادت و حقیقت یعنی نزدیکی و تقرب به ساحت الهی باشد. از همین روی ایشان معتقدند وظایف امت اسلامی در برابر جاهلیت مدرن باید مبتنی بر تحول از درون و تزکیه، حرکت به سمت اهداف قرآنی، تبعیت از بعثت و بصیرت در شناخت سیاسی دشمنان و تلاش برای عادلانه کردن مناسبات و نظم اجتماعی جهان باشد.

یاست پژوهی

تبارشناسی و برابرنهاد نظریه‌ی جاهلیت مدرن در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای



فهرست منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه
۳. امام خمینی، سید روح‌الله... (۱۳۸۶). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. امام خمینی، سید روح‌الله... (۱۳۹۱). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. ابن اثیر، عزالدین. (۱۳۷۰). *تاریخ کامل، جلد دوم*. ترجمه‌ی سید حسین روحانی. تهران: انتشارات اساطیر.
۶. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دانشگاه افسری امام حسین علیه السلام. ۱۳۹۴/۰۲/۳۰.
۷. بیانات رهبر انقلاب اسلامیدر دیدار شرکت‌کنندگان در سی و دومین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم. ۱۳۹۴/۰۳/۰۲.
۸. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار فرماندهان ارشد نظامی و انتظامی. ۱۳۸۹/۰۱/۲۲.
۹. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث. ۱۳۸۹/۰۴/۱۹.
۱۰. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی. ۱۳۹۴/۰۲/۲۶.
۱۱. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی. ۱۳۹۳/۰۳/۰۶.
۱۲. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی. ۱۳۹۵/۰۲/۱۶.
۱۳. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی. ۱۳۹۴/۱۰/۰۸.
۱۴. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری. ۱۳۹۵/۰۳/۰۶.
۱۵. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان. ۱۳۹۵/۰۸/۱۲.
۱۶. نامه رهبر انقلاب اسلامی به عموم جوانان در کشورهای غربی. ۱۳۹۴/۰۹/۰۸.
۱۷. بدیع، برتران. (۱۳۸۰). *دو دولت؛ قدرت و جامعه در غرب و در سرزمین‌های اسلامی*. ترجمه‌ی احمد نقیب‌زاده. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۱۸. بتون، تد و یان کرایب. (۱۳۸۹). *فلسفه‌ی علوم اجتماعی: بنیادهای فلسفی تفکر اجتماعی*. ترجمه‌ی شهناز مسمی پرست و محمود متحد. تهران: آگه.
۱۹. برمن، مارشال (۱۳۸۶)، *تجربه مدرنیته*، ترجمه مراد فرهادپور، تهران: انتشارات طرح نو.

سازشوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷





۲۰. جعفریان، رسول. (۱۳۹۲). تاریخ سیاسی اسلام، سیره‌ی رسول خدا صلی‌ا... علیه و آله وسلم. قم: انتشارات دلیل ما.
۲۱. جونز، ویلیام توماس. (۱۳۸۸). خداوندان اندیشه‌ی سیاسی، جلد دوم قسمت دوم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۲۲. سبحانی، جعفر. (۱۳۸۰). فروغ ابدیت/ تجزیه و تحلیل کاملی از زندگانی پیامبر اکرم (صلی‌ا... علیه و آله). جلد اول. قم: بوستان کتاب.
۲۳. داوری اردکانی، رضا. (۱۳۵۴). فلسفه‌ی مدنی فارابی. تهران: چاپ زر.
۲۴. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، جلد بیستم. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. فدایی مهربانی، مهدی. (۱۳۹۳). حکمت، معرفت و سیاست در ایران: اندیشه‌ی سیاسی عرفانی در ایران، از مکتب اصفهان تا حکمای الهی معاصر. تهران: نشر نی.
۲۶. فوکو، میشل. (۱۳۸۹). ایران: روح یک جهان بی‌روح و ۹ گفتگوی دیگر با میشل فوکو. ترجمه‌ی نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. تهران: نشر نی.
۲۷. قطب، محمد. (۱۳۵۹). جاهلیت قرن بیستم. ترجمه‌ی محمدعلی عابدی. تهران: ناشر مرکز- نشر انقلاب.
۲۸. کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۷۹). اصول کافی، جلد اول. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲۹. صدرالمآلهین، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۶۶). ترجمه و تفسیر الشواهد الربوبیه ترجمه جواد مصلح. تهران: انتشارات سروش.
۳۰. ناظرزاده کرمانی، فرناز. (۱۳۷۶). اصول و مبادی: فلسفه سیاسی فارابی. تهران: انتشارات دانشگاه الزهراء.
۳۱. وبر، ماکس. (۱۳۸۸). اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری. ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر. تهران: جامی.
۳۲. بورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس. (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

